

مهور و بی و کشتی با یکدیگر و معنای در تحصیل علوم و در اول وقت صلوات قاضی  
 زاده افندیان ملازم اولوب طریق تدریس سالیک عازم اولوب تدریس را  
 خیر اوانه قوه قریه مدبره آن معزول و تکمیل علوم و فنون مشغول میدی  
 ان شاء الله الملک الغضار بنو لیکر مصلح را فایده نوبت قریب شیخ اولوب کار  
 روزگار و به نخل چینه و دو حشر و مند و جو در بی مانندی تابست بر فراز و غیر باقی  
 و دولت زندگانی با یک برادر و برادر و اولاد که چندان صاحب اعتبار و اشتهار  
 اولوب نچه زمانه که کار چندان غیوران خان نام کتبا لوبه رفتانی ایله  
 منقطع و اول چنین و صاحب علمین فی کل زمان و حین صحبت و کتبی ایله  
 منقطع و مغزیر و در لاجرم خدمت فرنگین لیب و لوبه صفا کند و کند و غیر  
 بیج الملک متاعا عاید و راجع اید و کل منیر ایلایع خانه روشن و لاجرم در عباد  
 بودند زیاده کیت خاصه میدان طمانده کنگه بود علی المد و ام شهادت  
 اولان اسمانی کیت جو اینه کتخت و بر کدی بو اشتهار بلاغت شاعران  
 در اتم اولوسک رقیبه رعایتده یازد بر اینه لوقی باشد به نیم اعب بار  
 بعضی مطالب مارت میل و لوب بر مقتضای بشریت انگسار خاطر اولدیده  
 بر نخل شکایت کونه بر اتم لوقی ان صداد و وار و اولوش و غزل

عقل و حال و فضل و در اختیار	عالمه منصفه و کل اعتبار
خال و لوبه عیب شندی نو له روزگار	عین عدو و کور نظر اید و عیب
مات و ار که شکست اید و کله	خیر اینه کلان اکاده انکس
مختلبلر کار می زاری اید	جو قدر ستاره بله بزم کار ناز
کرداب عجزه کشتی دل قالی حسن	بر کون موافق اولینی روزگار

اصولیک صاحب قران زمان مردم سلیبا خان قلعه سکتو ارای خاصه اولدیده  
 کتک ساکنان و اوانه اولان شکی و علی در تیش کله قیامت در کاه عالی  
 مسعوده ندر مداد آوازه کونسل کمال موفقیه و اولان ایلایع فایده معاشرت  
 طبیعت شوی به سی اعمال بخش و جو مبارک سلامت نظمی ایله نهال کالی کالیتمش  
 عاشقان و سواد و معاشی حد و عدوان زیاد در نوبت کر خیر لوبه نوبت یوقه ارسال

در عشق یاری و دستم بلا و محبت  
 کویک واروب عجب و صفا کتسم  
 وصل معشوقه قلوب اتدی و غیر  
 عجب کایشه خیره عشقه لوبه حبه

**اصولیک** طبعی نیکو مستنده سیدو اسد در در کتک کلن طاش کوری زاده شقاقت  
 سلطان مراد غازی و در نده پیش علمادان باریت صلوات کتک کتک کتک  
 استاده جالنده در جرم منافعاری و من طیده و نالیف اولوش کتک کتک کتک  
 حاجی باشا الیشتر کتک او نزه مهره شرح الهدایه کله خیره مستنده تحصیل علم  
 اشتغال اشکال تکمیل فضل کمال ایشتر در روایت اولونکر که منور لیلایر لوقی  
 مشغول طبعان صاحب ولایت و کرامت بر عزت کتک زیارت و دار فقه شیخ  
 منور باحمدی یه سخن طوطی و حاجی باشا یه سخن طیده حادق و ماهر  
 و مشافتا ریه سخن علم و فضل ده کالتا رعلی علمت سیدو کتک عالم اولوب جلیع  
 علم طاسر و باطن اولور سخن در فی الواقع منور لیلایر لوقی و اطوار می دیدگی  
 کتک شایسته قرار و بهر سیر فتنده صاحب اعتبار و اشتهار اولوش در  
 روایت اولونکر کتک خارت منور لیلایر لوقی و کتک بیست و شش و کتک  
 و کتک امواج فتنه منظر حال **فاذا ای تمور** اولوب ناسیه کله کله کله کله  
 تیموره بر نصیده و بر **مصراع** مشتری وید و عجز کتک لاکر و فو اسی او نزه  
 عجز متاع سعوت نکلده تیمور می نبروزه رعیت نکلده مجلس خاصه و اصل  
 و دولت تقرب نسا دسته و اصل اولش دی بر کون تیمور بغض دلان سیر نعل  
 عزم جام ایدوب حلال مباحه و انشا کلام و نه منوره خطاب کتک کتک  
 بر حسن به ایلدی بهانه اولان دلبران سیم می و حال لطف و ملاحظه و کتک  
 اولان مهور شان بری سیم می سیم به طوطی و کتک کتک کتک کتک کتک  
 نیندی و فایده لوبی سیم و کتک کتک کتک کتک کتک کتک کتک کتک  
 انجن و فایده و کتک تیمور می و کتک سیم به طوطی و بر شاعر منور لیلایر لوقی اول  
 مالک خرابین جنانی و خابطه حارس زمانی و کتک کتک کتک کتک کتک کتک کتک

حبه  
 لغوی

اصولیک